

سوسیالیسم

ریزه انتخابات رئیس جمهوری

دوره دوم شماره ۹

لرگان هسته اقلیت

خرداد ماه ۷۶

پس از گزینش خاتمی آنگاه چه ؟

بررسی زمینه های سیاسی، اجتماعی انتخابات رئیس جمهوری، رشد تمایلات استحالیه طلبی و چشم انداز آینده

سرمایه داری دینی، بحران حکومتی

و حکومت بحران زا

بحران حکومتی و رودرویی جناحهای مختلف حکومت اسلامی که یکی از مهم ترین زمینه های آن ناسازگاری ساختار های سیاسی یک حکومت دینی متکی بر ولایت فقیه و زمینه های اقتصادی - اجتماعی یک جامعه سرمایه داری است، از ابتدای شکل گیری این حکومت بسان رویدادی بی پایان منجر به شکل گیری یا تغییر شکل جناحهای مختلف شده است و از پس هر بحران، هر یک از جناحها راه حل های متفاوتی را برای حفظ و تدویم حکومت اسلامی و دستگاههای قدرت سیاسی - دینی به پیش کشیده اند.

با وجود جاهجایی های متفاوتی که در نحوه شکل گیری و یا فروریزی جناحها و عناصر آن صورت گرفته، بحران حکومتی نه تنها پایان نیافته بلکه با توجه به موقعیت های هر جناح، تغییر مواضع سیاسی داخلی و بین المللی و از همه مهمتر رشد جنبش های اعتراضی و مبارزه طبقاتی، درگیری جناحها مدام در اشکال متفاوت و گاه "حادثه" حادثی پدیدار شده است. این بار کشمکش جناحها بر سر انتخاب رئیس جمهور چنان حاد شد که به شکل یک جنگ سیاسی - روانی تمام عیار به عرصه

جنگ جناحهای مختلف حکومت اسلامی، بر سر انتخاب رئیس جمهور و نتایج آن که بسیاری از پیش بینی ها را به هم ریخت، التهاب شگفت انگیزی را در فضای سیاسی جامعه ایران، محافل و گروههای سیاسی بوجود آورده است. آنچه اما برآستی شگفت فرگیز است، چرخشهای سیاسی، و رشد تمایلات استحالیه طلبانه پس از گزینش خاتمی است. تحت چنین فضایی بازهم دخیل بستن به امام زاده های حکومت اسلامی مد شده است و دوباره شرکای جمهوری اسلامی، قانون گراها، اصلاح طلبان ریزو درشت، نظریه پردازان "فمینیسم اسلامی"، فرهنگ فروشان جورواجور میدان دل مرکه شده اند.

کدام عوامل در کشمکش حاد جناحها بر سر کسب قدرت نهاد رئیس جمهوری دخیل بوده اند؟ چرا وزنه به نفع جناح های مؤتلف کاندیدایی خاتمی و بر علیه جناح بازار، در نتخابات بهم خورد؟ چشم انداز پس از انتخابات چگونه خواهد بود؟ ... اینها پرسش هایی هستند که بدون بررسی قایق آن، نه می توان ارزیابی دقیقی از نتایج انتخابات داشت و نه می توان بر گنج سری وهم آلود فضای پس از نتخابات غلبه نمود. و چشم اندازی از آینده ارائه داد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری شورایی

اسلامی مخالف جناح بازار را به عرصه يك جدال واقعی می کشاند. جدالی که یا حذف تدریجی و انزوی بیشتر را در پی داشت و یا حضور مجدد در عرصه های مختلف حکومت اسلامی.

بعلاوه رشد مبارزه طبقاتی، شورش های اعتراضی، جنبش های آزادی خواهانه و حرکت خود سامان کارگران، که پیش از این در سطح جامعه تجربه شده بود، و روش های متفاوت واکنش جناحها در مقابل آنها، این تنش ها را افزایش داده و دامنه آن را گسترش می داد.

مجموعه شرایط فوق جناحهای مخالف "بازار" را بر آن داشت که به يك واکنش مشترك و هماهنگ و يك سیاست مشترك ائتلافی در رابطه با انتخابات رئیس جمهوری دست یابند.

انتخابات و سیاست ائتلافی

گام های اولیه سیاست ائتلافی برای مقابله با جناح بازار در انتخابات رئیس جمهوری، ابتدا از جانب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برداشته شد. این جریان در اولین گام طرح "اتحاد گروههای مختلف خط امام" بر سر شرکت در انتخابات و مقابله با "انحصار طلبی" را به پیش کشید. این طرح یا استقبال نیروهای این طیف رویو شد و عملاً تحرك جدیدی را در بین این طیف بوجود آورد. گام بعدی این جریان به پیش کشیدن يك سیاست ائتلافی بین نیروهای طیف خط امام با جناح رفسنجانی - کارگزاران بود: واکنش جناح بازار و مقابله با هردو این جناحها، عملاً مسیر ائتلاف را هموار کرد. سیاست ائتلافی از بسیاری جهات مؤثرترین روشی بود که می توانست جناح بازار را به عقب براند و چشم انداز يك تحرك جدید و مانور قدرت برای گروههای مؤتلف را فراهم نماید. با این همه هنوز مرامی بر سر راه بود: اینکه کاندیدهای مشترك چه کسی باشد و با توجه به اینکه همه نهاد های نظارت بر انتخابات در دست جناح بازار بود، چه راه حل هایی می توانست حریف را به عقب براند؟ کاندید مشترك باید حد تعادلی از توافقات سیاست جناحهای مؤتلف بوده، در بین آنها از مشروعیت سیاسی برخوردار باشد و از همه مهمتر سرمایه گذاری برای جلب آرا یا موافق درونی مواجه نبوده و شخص مورد نظر در

کل جامعه ایران کشیده شد. کدام زمینه های سیاسی به چنین رویدادی منجر گردید؟ پستر واقعی این رویدادی چه بود و چرا بدین گونه بازتاب یافت؟

تولزن قوی جناحها پیش از انتخابات

پس از مرگ خمینی، گزینش خامنه ای بعنوان ولی فقیه و رفسنجانی در جایگاه رئیس جمهور، تولزن قوا در حکومت اسلامی به ضرر "جناح خط امام" که طیف های مختلف از جمله سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، اکثریت انجمن های اسلامی دانشجویان، روحانیون مبارز و... را در برمی گیرد، بهم خورد. در مقابل جناح رسالت - بازار، آرام، آوام، اکثریت نهاد های حکومتی نظیر ولایت فقیه، مجلس خیرگان، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس شورای اسلامی و... را در اختیار گرفت. پیش روی جناح بازار اما صرفاً "خط امامی ها را آماج قرار نداد، چنان دامنه داروهمادنگ بود، که جناح رفسنجانی - کارگزاران نیز از دامنه ستیز آن محروم ماند و نهادهایی همچون وزارت ارشاد، رادیو تلویزیون، شورای انقلاب فرهنگی و... نیز به قبضه جناح بازار درآمد. پس آمدهای مجلس پنجم و ثلث در آراء انتخاباتی چنان عرصه را بر گروهها و گرایشات مخالف بازار در حکومت اسلامی تنگ تر کرد، که هیچ نهاد مهم و اساسی حکمرانی بجز نهاد رئیس جمهوری باقی ماند که در اختیار این جناح قرار نگذرد.

بعلاوه انحصار طلبی این جناح در حکومت اسلامی و همواره با آن پیشبرد سیاست های رعب و وحشت حذف گرایشات دیگر حکومت اسلامی و پیشبرد روش های مافوق ارتجاعی و تصویر حکومتی نظیر حکومت عربستان، چنان فضایی از رعب و وحشت ایجاد نموده بود، که هر روز جامعه ایران در تب رعب انگیز سیاستهای بخشی از حکومت می سوخت، که عزم جزم کرده است به بهانه "مقابله فرهنگی و جامعه اسلامی سرمایه داری" دیکتاتوری و سرکوب را چنان گسترش دهد، که حتی جناح های دیگر حکومت اسلامی که خود در سرکوب مردم کارنامه روشنی دارند را به زیر شمشیر "ذوب شدن در ولایت مطلقه فقیه" بکشاند.

مجموعه این کشمکش ها، جناح های دیگر حکومت

می توانستند. ثنور انتخابات را گرم کند. هرچه مشارکت کنندگان در انتخابات بیشتر می بودند وزنه سیاست ائتلافی قوی تر می شد و امکان فشار به رقیب برای در آوردن رأی از صندوقها افزایش می یافت.

قهرمان آزادی های وزیر لرت ارشادی

و روششناسی استحاله طلبان

" آزادی های وزیر لرت ارشادی"، که چیزی جز سلاخی آزادی در چتر حکومت اسلامی و ولایت فقیه نیست، در پس کشتار شریفترین زنان و مردان جامعه ایران و پیشبرد "طرح تعدیل اقتصادی" به پیش کشیده شد، سیاست برنامه ریزی شده ای بود که از یکسو فشار نقص حقوق بشر را محدود و همزمان جنبش آزادی خواهانه را در مجرای کنترل شده ای قرار می داد و از سوی دیگر هدف زمینه سازی برای سرمایه گذاری، وام های مختلف از صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و... و بطور عمرمی امنیت سرمایه را دنبال می کرد. (اگر چه جناح بازار در همین محدوده " آزادی های وزارت ارشادی" نیز مساله دار بود.)

پیامد این طرح در عرصه اقتصادی چیزی جز فقر افزایی بیشتر و شکافهای طبقاتی ژرف تر نبود. اما در جامعه ای که تشنه آزادی و برابری است همین فضای کنترل شده برای انتشار مطبوعات و کتب به ضد خود بدل شد. و در دل همین شرایط نویسندگان آزادیخواه و شریف و مبارزین راه آزادی تا توانستند جنبش آزادی خواهی را در مقابل جمهوری اسلامی قرار دهند. پاسخ روشن بود: سرکوب، ترور، کشتار، آدم ربایی. اما درها در جامعه ای که شیفتگی شخصیت و قهرمانان کاغذی از مظاهر عقب ماندگی آند، همه تلاش های یک جامعه برای آزادی، به حساب مظاهر پنهان ارتجاع حاکم واریز می شود.

کارگزاران حکومت اسلامی که در روششناسی اطلاق طلبان و قاتون گزایان و اپوزیسیون مستاصل کار کشته شده اند، با به جلور رانن قهرمان آزادی های وزیر لرت ارشادی، ائتلافی اعلام نشده و بی جیره و مراببی را نیز سازمان دادند. و آن بخش از روشنفکران دودل و بی مایه، اسلام گرایان طرد شده و هنرمندانی که به درپوزگی کفی نان مسلمان شده اند، همه به

تجربه های سپری شده، از تنفر در افکار عمرمی برخوردار نباشد. با توجه به اینکه جناحین مؤتلف از پیش می دانستند که حتی اگر تنها طرفداران حکومت اسلامی و کسانی که زیر فشار جمهوری اسلامی و وحشت از محدودیتهای که برای آنها ایجاد می شود (تظیر احساس خطر از موقعیت شغلی و...) در انتخابات شرکت کنند، با توجه به تنفر عمرمی از جناح بازار، و متزوی شدن این جریان حتی در بین بسیاری از هواداران حکومت اسلامی، برنده انتخابات کاندیدای گروههای مؤتلف خواهد بود.

تضمین واقعی برای پیشبرد این سیاست اما معطوف به این بود که قلب انتخاباتی صورت نگیرد. با این استراتژی جناحین مؤتلف، تدارک وسیعی را برای پیشبرد این سیاست و تحمیل آن به حریف آغاز کردند.

زمینه های سیاسی گزینش خاقی

منتها بین گروههای مؤتلف، کشمکش بر سر انتخابات کاندید مشترک ادامه داشت. پیشنهاد "خط امامی ها" برای کاندیدایی "موسوی" نخست وزیر پیشین با بی میلی جناح کارگزاران و واکنش شدید جناح بازار روبرو شد. کار بجایی رسید که عکس های "بی حجاب" زهرا رهبرود همسر موسوی نخست وزیر پیشین در تیراژ وسیعی توزیع گردید و خود وی پس از اعتراض به ارباب و تهدید عقب نشست. رزمه های پیشنهاد کاندیداتوری افرادی از کارگزاران نظیر کویاسچی، هاشمی و... اساساً در نقطه خفه شد. پیش تر گفته بودیم که کاندیدای ائتلافی می بایست علاوه بر این که حد تعادلی از تواضقات هر دو طرف بوده از مشروعیت سیاسی در میان مؤتلفین و وجهه سیاسی در بین "غیر خودی های" که می توانستند ثنور انتخابات را گرم کنند، برخوردار باشد.

تحت چنین شرایطی بود که خاقی از طرف رفسنجانی به پیش کشیده شد. این گزینش زیرگانه، از چند جهت مؤثر افتاد. خاقی از یکسو از مشروعیت سیاسی بین مؤتلفین برخوردار بود و از سوی دیگر با توجه به مسئولیتی که وی در زمان "آزادی های وزیر لرت ارشادی" بعهده داشت "قهرمان پیام آور آزادی" برای آن دسته از روشنفکران قانون گرا، اصلاح طلبان رنگارنگ، و پیروان "کمینسیم اسلامی" نیز گشته بود. کسانی که

محدودیت مطالبات آینه که در برنامه ذکر شده بود. یعنی آزادی، زنان و جوانان در محصوریت اختاپوس اسلامی.

انتخابات و رجوع به صندوق آراء تنها راه مؤلفین برای بازگشت به صحنه

پیش تر گفته بودیم که جناح بازار، اکثریت نهادهای جمهوری اسلامی را قبضه کرده و جناح های دیگر را شدیدا به انزوا کشیده بود. انتخابات رئیس جمهوری، برای مؤلفین مخالف جناح بازار، به مثابه حذف کامل از آخرین سنگرها و نهادهای اصلی حکومتی و حیات مجده و آغاز جدیدی تلقی می شد و آنچه می توانست این دوره جدید و این آخرین سنگر فرا چنگ در آید، که انتخابات با شرکت بیشتر مردم همراه شده و آراء بدون تقلب از صندوق ها بیرون بیاید. بر این اساس تبلیغات جناحین مؤتلف به کمک شرکای داخلی و بین المللی به مشارکت مردم در انتخابات متمرکز گردید. انتخاباتی که از پیش حتما اپوزیسیون قانون گرا را نیز از صحنه بیرون رانده بود.

همزمان مؤتلفین به پک رشته تحولات برای کسب امتیاز دست زدند. هم اینگونه بود که توحید شورای انقلاب فونگی، شورای تشخیص مصلحت به نفع این مجموعه تغییر نمود و رفسنجانی بعنوان رئیس شورای تشخیص مصلحت و جانشین ولایت و فقیه تعیین گردید.

با این حال با توجه به اینکه اکثریت نهادهای نظارت بر انتخابات در اختیار حریف بود، آنچه گروههای مؤتلف، میدان را به دست می گرفتند، که تقلب انتخاباتی صورت نگیرد. همه می دانستند که حتما اگر چنانچه در انتخابات تنها نیروها مدافع رژیم، نیز شرکت کننده برنده این میدان خاکی خواهد بود. و این را خاکی بیش از همه، به جناح بازار و ناطق قوری مدیون است، که چنان روشی در حذف همه مدافعین حکومت اسلامی ایجاد نموده بودند، که حتما "جمعیت دفاع از ارزشها" که پک جریان فائزبستی تحت هدایت ری شهری وزیر پیشین اطلاعات است، از "ترمش و انتقاد پذیری رفسنجانی و تند خویی جناح بازار" سخن گفت.

خط شدند که "بنیان گذار سینمای دینی و قهرمان آزادی های اسلامی" را به تخت بنشانند. و بدین وسیله بار دیگر به چشم روشنفکران و هنرمندان مترقی و شریفی که همواره در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده اند، خاک پاشیده شد.

انتخابات رئیس جمهوری برای جناحین مؤتلف این حسن را داشت که مؤتلفین بی جیره و موجب وسیله ای برای اخاذی آراء باشند.

شرکای بین المللی جمهوری اسلامی و انتخاب خاکی

انتخابات رئیس جمهوری در شرایطی برگزار گردید، که سیاست خارجی رژیم و شرکای جهانی آن تحت تاثیر دادگاه میکونس شدت متشنج شده بود. انتخاب خاکی وسیله ای برای عادی سازی این مناسبات نیز بود. خاکی علاوه بر اینکه کاندید جناحین ائتلافی و متحدین آنها بود، کاندید اکثریت قریب به اتفاق شرکای بین المللی جمهوری اسلامی و در رأس آن اروپا و حتا بخش های متفاوتی از محافل سیاسی آمریکا نیز بود. رسانه ها، رادیوها و دیگر وسائل ارتباط جمعی غریب مشترکا در شیپور انتخاب خاکی دمبلند. و از وی بعنوان "امید روشنفکران ایران" نام بردند.

برنامه خاکی برای جلب آراء

چیزی که بعنوان "برنامه" و برای جلب آراء، بازیگری خاصی از جانب خاکی به پیش کشیده شد، و بشکل گنگ ری محتوایی بر نیازهای عمومی جامعه یعنی بر "رفع محدودیت برای زنان و جوانان و آزادی اسلامی و ..." انگشت گذاشته بود، از نقطه سبزی با جناح بازار گرفته شده بود و برای خلع سلاح تمام عیار حریفی بود که تنفر عمومی را برانگیخته و حتا وعده زنانه مردانه، کردن پیاده روه را می داد. نقطه قوت خاکی، اما خود "جناح بازار" بود.

جناح بازار نه تنها شعاری جزء "توب شدن در ولایت و فقیه" (که وسیله ای مهمی برای تحت فشار قرار دادن حریف بود)، چیز دیگری را به پیش نکشید، بلکه با سازماندهی "اتصار حزب الله" حمله به دانشگاهها، سازماندهی گله های فشار و تهدید، مدام جو رعب و وحشت را دامن می زد. بر تارک برنامه خاکی اما ولایت فقیه قرار داشت، که هم جناح بازار را خلع سلاح می کرد و هم باور واقعی جناحها ی مؤتلف را در

نمی کنند. به ویژه که هنوز اکثریت ارگانها و نهادهای دالان دراز و تر دولتی حکومت اسلامی در اختیار آنها است.

انتخابات و مشارکت مردم

روشن است که آنگاه به آمار و ارقام رژیم در مورد تعداد شرکت کنندگان در انتخابات توهم محض است، اما آنچه که واضح است افزایش تعداد شرکت کنندگان نسبت به انتخابات گذشته است که خارج از پیش بینی های جاری بود. پیش تر در مورد زمینه های شرکت مردم در انتخابات، گفته شد به این عوامل می شود در خطوط کلی زیر اشاره نمود:

— این بار بر خلاف گذشته که در انتخاب رئیس جمهوری اکثریت جناحهای رژیم به روی یک نفر توافق داشتند (نظیر خامنه ای یا رفسنجانی) شرایط تغییر نموده بود. انتخابات خود به یک عرصه کشمکش حاد بین جناحها تبدیل گردید.

— انزوای بین المللی رژیم و نقش های حاصل از موضوع اروپا در مقابل ایران، و همراه با آن تبلیغات دیگر شرکای جمهوری اسلامی حول ضرورت شرکت در انتخابات و گزینش خاقمی بعنوان "امید روشنفکران و ناجی ایران" هم وسیله ای بود برای بهبود روابط مجدد و هم توهم آفرینی درباره خاقمی و تغییرات بنیادی در صورت انتخاب وی. تبلیغات غرب و بویژه اروپا در تشویق مردم به شرکت در انتخابات و افزایش آرای خاقمی بی تاثیر نبود.

— قدرت گیری مدام جناح بازار و وعده جامعه ای همانند عربستان، مقابله شدیداً آشکار با فیاهاهای پستز بنیادی جوانان و زنان تحت پرورش ضرورت حفظ فرهنگ اسلامی و ایجاد فضای رعب و وحشت آشکار تنفر عمومی را چنان افزایش داده که خاقمی بیشتر آرای خود را مذهبون روش های مافوق ارتجاعی این جریان است.

— ایجاد یک جو هیستریک در سطح جامعه که آنگاه و با برنامه فرسوط جناحهای مؤلف دنبال می شد و یک التهاب متکی بر ضرورت شرکت در انتخابات و رجوع به صندوق آرای را دامن می زد. روشی که در عقب نشینی رقیب برای اتکا به صندوق های رای نیز بی تاثیر نبود.

— توهم پراکنی گواهاشات متعدد اصلاح طلب از پیروان "فمینیسم اسلامی" و طرفداران سروش گرفته تا تکنوکرات ها

ضرورت حفظ نظام رجوع به صندوق آراء و گزینش خاقمی

همزمان با تبلیغات وسیع و افشای حریف، مجمرعه گروههای مؤلف به یک کارزار وسیع درباره "خطر قلب درانتخابات و ضرورت حفظ نظام" دست زدند و قلب در انتخابات به مثابه پیمان شکنی در حفظ نظام تلقی گردید. در این راه مؤلفین تمام زورشان را زدند و از همه وسایل در به عقب راندن رقیب که اکثریت ارگانهای نظارت بر انتخابات را زیر سیتره داشت، استفاده کردند. لوگتاه و معصیت در قلب انتخاباتی، قا تهدید و ارعاب، از خطر فروریزی نظام در صورت دخالت نیروهای انتظامی تا پیشبرد هیستریک یک تب التهاب در سطح جامعه، که مردم را هر چه بیشتر به مشارکت در انتخابات و مقابله با نفی قلب در آراء و عواقب ناشی از پیروزی رقیب تهدید می کرد. چنین فضایی هم مردم را بیمناک کرده و به شرکت در انتخابات تشویق می کرد و هم جناح مقابل را به عقب می راند.

این جو هیستریک حتا بر برخی از عناصر جناح بازو بی تاثیر نبود. این روند بگونه ای ادامه پیدا کرد که یک هفته پیش از انتخابات دوگانگی و دودلی در برخوردارهای خامنه ای و سردمدارون شورای نگهبان آغاز شده و آنها نیز در سخنان خود بسته گریخته از "ضرورت حفظ نظام و عدم قلب در انتخابات" سخن گفتند.

چندروز پیش از انتخابات کشمکش جناحها چنان بالا گرفت که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مضاجحه ها و بیانیه های منتشر شده خود آشکارا از "خطر فروریزی نظام در صورت دخالت نیروهای انتظامی و وزارت کشور در صندوق آراء" سخن گفت. در همین اثناء بود که به فرمان ولی فقیه جناح بازار عقب نشست و صانعی و جتیی رسماً از فرمان اکید رهبری و شورای نگهبان مبتنی بر برخطر داشتن انتخابات از قلب سخن گفتند.

مجمرعه شرایط فوق عواملی بودند، که به مراجعه به صندوق آراء و گزینش خاقمی منجر گردید. نتیجه انتخابات، رجوع به صندوق آرای و گزینش خاقمی نشان داد که ولی فقیه و جناح بازار در رعایت قراند بازی و حفظ نظام کودکانه عمل

و بررکراهای حکومت اسلامی، روشننگران آقیت طلب و قانون گرا، هرمندان و سیناگران همکار رژیم اسلامی.

- واز همه مهمتر فقدان يك اپوزیسیون سازمان یافته و نیرومند و در رأس آن فقدان يك بدلیل انقلابی که چشم انداز سرتگونی رژیم در کوتاه مدت را بوجود آورد.

"انتخاب بد و بدتر" و پیامدهای آن

بر خلاف پاره سرایی هایی اصلاح طلبان، شوکت مردم در انتخابات از موضوع دفاع از برنامه خاتمی نبود. بر تارک این برنامه که با وعده وعیدهای جورواجور تنظیم شده، ولایت قبیله و مشارکت در پارچوب جمهوری اسلامی قائل دارد. اگر چه تبلیغات شرکای داخلی و جهانی جمهوری اسلامی در انتخاب خاتمی بی تاثیر نبود، اما مشارکت بیشتر مردم در این دوره از انتخابات در وجه اساسی، گزینش میان بد و بدتر بود. فضای هیستریک پیش از انتخابات و تبلیغات همه جانبه متحدین جمهوری اسلامی به پیشبرد این روش کمک کرد.

این يك واقعیت است که در يك دوره غیر انقلابی، مردم از نیازهای و خواسته های بلاواسطه خود حرکت می کنند. بویژه در شرایطی که چشم انداز يك حرکت سازمان یافته برای برش از دولت ضد انقلابی محدود باشد. اما گزینش بدو بدتر لزوماً روش در خرد ستایشی نیست. و در مدار حکومت اسلامی وسیله ای می گردد برای مشروعیت و سرکوب مردم. این را تجربه های تکرار شده اثبات کرده است. اما چه می توان کرد؟! به آنان گفته بودند: "که کلام مقدس را به شما خواهیم آموخت لیکن بخاطر آن عقوبتی جان فوسای را تحمل می بایدتان کرد" و امروز علوبتی جان فوسای را چنان قاب توده اند که کلام مقدس باری از خاطرشان برفته است!!

چپ انقلابی و وادیکال کارگری که در يك پراکندگی یاس آور به سر می یزد، اگر نتواند از موضع برابری و آزادی، کوشش مشترکی را برای به پیش کشیدن يك بدلیل انقلابی و اثر گذاری اجتماعی سازمان دهد، در گزینش سیاست "بدبذوق" توسط مردم بی تقصیر نیست. با این وجود همین چپ ضمن نقد خود و کوشش بی وقفه برای شکل دهی يك بدلیل کارگری یعنی بدلیلی برای آزادی و برابری و سرتگونی جمهوری اسلامی، باید با بانگی رسا به مردم بگوید که:

" شما که در تنگنای بیم و وحشت و گریز از اوضاعی به مراتب بدتر و دهشتناک تر از این که هست، به این گزینش تن دادید، اگر برای پیشبرد خواسته های خود پیگیرانه به مبارزه ادامه ندهید و اگر برای برابری، آزادی و يك زندگی بهتر، رژیم جمهوری اسلامی با همه شاخه ها و جناحهایش را، آماج فرار ندهید، آرا شما همراه، وسیله ای برای سرکوب و یا تحمیق شما خواهد بود. این نیرنگ را همه جناحهای رژیم مشترکاً آغاز کرده اند، آرای "چند میلیونی" هم به سند مشروعیت کل رژیم بدل گردیده هم وسیله ای برای امتیاز گیری و صندتی قدرت در حکومتی که امید به يك زندگی بهتر در آن توهم محض است.

کوکچترین توهمی به شاخه های مختلف و قهرمان های پوشالی رژیم، یا به نجوایهای مستحاله طلبان و دیگر همکاران جمهوری اسلامی حتی برای يك اصلاحات جدی، از آن ملتی است که حافظه تاریخی ندارد و یا هنوز تجربه های شکست خورده سالهای گذشته نظیر وعده های خمینی برای کسب قدرت، ماجرای سفارت امریکا، دولت حزب اله و طرح های بیشومانه "سردار سازندگی" حکومت اسلامی را به فراموشی سپرده است. چنین ملتی در خور ستایش نیست."

چشم اندازهای آتی

دوره ای از امید کاذب، امید به شرایط جدید، امیدی از سر نوینی که با رشد تمایلات اصلاح طلبانه و استحانه گرایانه همراه خواهد بود، آغاز خواهد شد و در واقع آغاز شده است. این دوره کوفه مدت و گلرا است، بازنده این بازی بازهم رفرمیست ها، قانون گراها و میانه بازیانند.

طی همین روند در صف بندی جناحهای مختلف ضد انقلاب اسلامی تغییراتی شکل خواهد گرفت و وزنه به ضرر جناح بازار تا حدودی تغییر خواهد کرد، کشمکش جناح ها بر سرفروغیت های جدید و با حفظ آن ادامه خواهد داشت. کسب امتیازات در عرصه اختیارات و انتخاب وزرا و نهاد های حکومت اسلامی بویژه وزارت خاتمه های ارشاد، اطلاعات و کشور و نهادهایی نظیر رادپر و تلویزیون، و... با پشتوانه "آراء ۲۰ میلیونی" پی گیرانه از جانب جناحین مؤتلف دنبال خواهد شد. هر چند که شکاف و اختلاف در بین خود مؤتلفین

دلشسته باشد. "حکومت مطلقه فقیه" و یا "قرآن معینی از جایگاه دینی و سیاسی فقیه و انتخابات در چارچوب حکومت اسلامی" موضوع اصلی کشمکش های جناح ها بر سر روایت از مکان ولایت فقیه در جمهوری اسلامی خواهد بود، اختلافی که در جریان انتخابات نیز تا حدودی جلوه گر شده بود.

با این همه اما تقاب و برداشت جناحها از جایگاه فقیه، همواره بر مدار وحدت بر سر یک حکومت دینی باقی خواهد ماند. آرزوی یک حکومت لائیک و استحاله جمهوری اسلامی به سمت آن را مصلحین اجتماعی و قانون گراها به گور خواهند بود. مگر آنکه کل حکومت اسلامی به گور سپرده شود.

وعده های خاتمی و انتظارات کاتب

برنامه خاتمی برای جلب آراء، تاکید بر نیازهای جوانان، زنان و آزادی ها البته در چارچوب حکومت اسلامی بود. رشد جنبش اعتراضی زنان برپه طی سالهای گذشته که همه جریانها ماهیتاً ضد زن و مردسالار را به ثکاپو انداخته است، نمی توانست جناحهای دور اندیش رژیم اسلامی و متحدین آنرا بی تفاوت بگذارد. انتخاب خاتمی و وعده های وی به زنان که مصلحین اجتماعی و نظریه پردازان "فمینیسم اسلامی" را در برابر زنان پیشرو، و مبارز و نقش آفرینی آنان این چنین گستاخ کرده است، حاصلی جز تقویت انجمن های اسلامی زنان و گروههای منتسب به "خواهران زن" که تجسم حکومت دینی و مناسبات مرد سالارانه با ویژه گی های اسلامی اند، نخواهد داشت. نابرابری زن و مرد در بنیادهای فکری و دستگاه نظری حکومت اسلامی، ضرورتی است که منشا انهی دلرد. جمهوری اسلامی حکومتی است ماهیتاً ضد زن. جدال بر سر حقوق زنان نیز از سرحد مجادله بر سر دوچرخه سراری زنان آن هم در پارکها و یا جایگاه "مجتهد زن در حکومت اسلامی" فراتر نخواهد رفت. ممکن است که معارن یا وزیر زنی که تجسم تهرج آور و نماد غلب ماندگی حکومت اسلامی در مقابل جنبش خود سامان و مطالبات واقعی زنان است، از طرف جناحین مؤتلف پیشنهاد شود. در اینجا نیز چنانکه جدال بالا بگیرد، برگ برنده را "فقیه عالی قدر" به زمین خواهد زد.

نیازهای جوانان نظیر امکانات آموزشی، رفاهی تحصیلی، کار و یک زندگی بهتر در دولت خاتمی فراتر از گرم

نیز به اشکال متفاوتی بروز خواهد کرد. پیش برد یک صف آرائی حزبی در بین هر یک از جناحها که در برگزیده طیف وسیعی از نهادها و شاخه های به هم پیچیده مرعی و نامرعی در دستگاه حکومت اسلامی اند، موضوعی است که دست کم برخی از جناحها و یا معاقل درون آنها پی گیرانه دنبال خواهند کرد.

در زمینه اقتصادی، تغییرات قابل توجهی در انتظار نیست. حد فاصل قرآن جناحها در سیاست اقتصادی، یعنی روشی به دور از افراط های "دولت گرایی و اقتصاد اسلامی" و "بازار آزاد و لیبرالیسم اسلامی" ادامه خواهد یافت، یعنی چیزی که عملاً پس از انفجار نرخ ارزها طی سالهای گذشته ادامه داشته است. یعنی همین وضعیت موجود. گسترش فقر و شکاف های ژرف تو میان قطب های فقر و ثروت.

درسیاست خارجی اما شرایط برای رفع تشنج و انزوازی رژیم، بیش از پیش مهیا شده است و دو پاره اروپا میدان دار خواهد شد.

تصویرهای مختلف از جایگاه ولایت فقیه موضوع اصلی

کشمکش جناحها

بر تارک جدال جناحها تعابیر متفاوت از ولایت فقیه خواهد بود. یعنی جایگاهی که ناشی از یک تناقض عظیم در عدم انطباق ساختار اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری از یکسو و یک دولت غیر متعارف و دینی از سوی دیگر است. از آغاز شکل گیری جمهوری اسلامی تاکنون هر یک از جناحها به تناسب میزان نقشی که ولی فقیه در پیشبرد سیاست هایش به عهده داشته و یا بر عکس در مقابل آن قرار گرفته است، تعابیر متفاوتی از ولایت فقیه و نقش آن داشته اند. این موضوع در دوره ولایت خمینی و سرپیچی جناح بازار و رسالت از فرامین وی به عینه وجود داشت، با این حال خمینی هم به واسطه اثررشته خود در جمهوری اسلامی و هم کارکشکی اش در رعایت قواعد بازی بین جناحها، سیاستی اتخاذ می کرد که به حذف کامل جناحی منجر نگردد، مگر آنکه آتورپته خود وی و یا نقش دینی حکومت، بی رنگ می شد.

خاتمه بی اما در موقعیتی نیست که بتواند نفوذ عمیقی در بین کل دستگاه روحانیت برپه جناحین مخالف "بازار"

ویش از همه در گرو تحرك پیشروان این جنبش ها یعنی زنان و جوانان و فرهنگ ورزش و آزادی خواهان پیشرو و پرشوری است، که می توانند از هر فرصت بدست آمده و هر روزنه ای برای سازمان یابی خرد فعالیتی شورانگیز بوده ها استفاده کرده و این جنبش ها را در مقابل کل دم و دستگاه جمهوری اسلامی قرار دهند.

خامی و متحذین اش در حکومت اسلامی به همه گروههای اجتماعی وعده های جورواجور دادند. در مورد يك جنبش اما هیچ کس چیزی نگفت. نه شاخه های مختلف حکومت اسلامی و متحذین آنها. و نه قانون گواها و مصلحین اجتماعی رفکارترگ. جنبشی که همین چندی پیش، در اوج اختناق همه نهادها و دسته های حکومت اسلامی را دور زد و در يك سازمانیابی خودسامان و متحرک در جلوی صحنه مبارزات سیاسی ظاهر شد. جنبش خود سامان کارگران .

قلب هر تحول عمیق برلی آزادی، برابری و يك جامعه انسانی در اینجا می تپد.

برای تماس با هسته اقلیت می توانید با آدرس های زیر مکاتبه نمائید:

POSTFACH NR : 412
30004 HANNOVER
GERMANY
I.S.S
BOX 7138
17107 SOLNA
SWEDEN
P.O.BOX 724
SNOWDON
MONTREAL(P.O.)
H3X 3X8
CANADA

کمکهای مالی خود را به آدرس زیر ارسال نموده و رسید بانکی آنرا به آدرس ما در آلمان ارسال نمائید.

D.ARYANT

KTO; 32325118

BLZ;2505081

STADTSPARKASSE HANNOVER
GERMANY

کردن تکر مسابقات ورزشی آن هم بدون زنان و یا با "زنان محجبه" و با هژور تفسیر اسلامی فراتر نخواهد رفت، حضور مجدد انجمن های اسلامی دانشگاهها در صحنه، که چند سال پیش با طرح اسلامی کردن دوباره دانشگاههای اسلامی شده (که مبتکر آن جناح بازلر بود) به حاشیه رانده شده بودند، لومنان "بهبود اوضاع آموزشی و فضای نوین در دانشگاهها" است. انجمن های اسلامی ای که خود بازوی اطلاعاتی رژیم و مبتکر انقلاب فرهنگی در دانشگاهها بوده و در سرکوب دانشجویان پیشگام، مبارز و مترقی کارنامه روشنی دلرند. جمهوری اسلامی چیزی نصیب جوانان پرشوری، که از فرهنگ زور و اجبار متنفرند و از حکومت اسلامی بیزار، نخواهد کرد.

آزادی های سیاسی نیز فراتر از آزادی های وزارت رشادی در انتظار نیست. اگر چه خود خامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی رسماً بر "آزادی در چارچوب قانون اساسی" تاکید داشته اند که خود این آزادی محصور در يك حکومت دینی متکی بر ولایت فقیه است. هدف آنها اما پرتاب شکست خورانی جلوی اصلاح طلبان رفکارترگ و در عین حال بر سرشان کوبیدن و بازی با برگ نضت آزادی برای به عقب راندن مبارزات خود سامان شده ها، و محصور کردن جنبش آزادی خواهی در پنجه حکومت اسلامی است. پیشبرد این سیاست حتا در بین شاخه های بی شمار گروههای مرتزف با تفسیرهای متفاوت و مواضع جدی رویرو است. صرف نظر از آنکه جناح بازار و دار و دسته های مدافع "ارزش های اسلامی" هنوز وزنه مهمی محسوب می شوند و شمشیر فقیه نیز در دست شان.

در چارچوب جمهوری اسلامی و همه ی گروهبنی ها و شاخه های مختلف آن، امید به بهبود شرایط، امید به آزادی و يك زندگی بهتر توهم محض است. در مقابل اما "آراء چند میلیونی" مدتها سند مشروعیت جاتوران اسلامی و چماق سرکوب مردمان شور بختی است که در پی وحشت و گویز از يك اوضاع دهشتناک تر در دامچاله دیگری گرفتار آمده اند.

گریز از چنین ننگنایی درگرو رشد مبارزه از اعماق و از دل جنبش های اعتراضی زنان، جوانان و آزادی خواهی است.